

بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن (مورد مطالعه: دانشجو معلمان دختر پردیس فرهنگیان شهر همدان)

جابر مولائی^۱

حبیب هاشمی فر^۲

فاطمه هاشمی رئوف^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۵/۵

doi: 10.22034/SSYS.2022.1422.1983

هدف مقاله حاضر، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی - و ابعاد سه گانه آن - بر مدیریت بدن در بین دانشجو معلمان دختر پردیس فرهنگیان شهر همدان است. از نظریه های بوردیو، شیلینگ، مارتین و گانتز استفاده شده است. روش این پژوهش پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجو معلمان دختر پردیس فرهنگیان شهر همدان بود که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۸۲ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری، طبقه ای متناسب با حجم است. داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری Spss و AMOS توصیف و تحلیل شدند.

یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. نتایج حاصل از مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد که مدل از برازش خوبی برخوردار است و شاخص های برازش مدل مقادیر قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین داده های گردآوری شده از نمونه مورد مطالعه با مدل مفهومی پژوهش سازگاری و تناسب لازم را داشت. بنابراین، مدل مفهومی کلی پیشنهادی در این پژوهش مورد تأیید است.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مدیریت بدن، دانشجویان دختر و همدان

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Moulaei.J@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. کارشناس علوم اجتماعی، دانشگاه پردیس فرهنگیان، همدان، ایران

میشل فوکو^۱، نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی از اولین و مهم ترین کسانی است که به بدن به مثابه محصولی اجتماعی و فراتر از عناصر زیستی نگاه می کند. توجه او به تاریخ حرفه پزشکی و پرداختن وی به بدن انسان به عنوان موضوعی که دستمایه اعمال کنترل و مداخله پزشکی قرار می گیرد و نیز تحلیل های وی در مورد نظارتی که توسط دولت، کلیسا و پزشکی بر خصوصی ترین فعالیت های بدنی یعنی امور جنسی انسان اعمال می کرد، به ایجاد تخصص جدیدی در عرصه جامعه شناسی به نام «جامعه شناسی بدن» منجر شد (کوکرهام^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از گل بهاری، ۱۳۹۱: ۲). جامعه شناسی بدن، شاخه ای از جامعه شناسی است که ماهیت اجتماعی جسمانیت انسان، تولید اجتماعی بدن، گفتمان های حاکم بر بدن، تاریخ اجتماعی بدن و تعامل پیچیده میان بدن، جامعه و فرهنگ را بررسی می کند. این شاخه از جامعه شناسی که به طور خاص به مفهوم بدنمندی به مثابه پدیده ای اجتماعی، موضوعی نمادین، بازنمود و عاملی برای تخیل می پردازد، همواره به ما یادآوری می کند که کنش های سازنده بافت زندگی روزمره، از ساده ترین اشکال تا پیچیده ترین آن ها، نیازمند دخالت و عامل بدنی هستند (صادقی فسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸).

مدیریت بدن به معنای دست کاری مستمر در ویژگی های ظاهری مرئی بدن است و این مفهوم با کمک معرفت های مانند انواع عادت ها در لباس پوشیدن، آرایش موی سر، استفاده از پیرایه ها، رژیم غذایی، دست کاری پزشکی، میزان اهمیت دادن به مراقبت های آرایشی و بهداشتی، جراحی زیبایی، کنترل وزن و... سنجیده می شود (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴).

جذابیت و زیبایی جسمانی از جمله موضوعاتی است که در جوامع امروزی استانداردهای جدیدی یافته و از عوامل شکل دهنده روابط افراد به شمار می رود؛ به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیش تری یافته و رفتارهای مختلف از جمله رژیم های لاغری و وسایل ورزشی و آرایشی گوناگون برای مراقبت از بدن ساخته شده است. برخی از عوامل این تحولات عبارت اند از: سیاسی کردن بدن به دست فمینیست ها، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و حرکت از مدرنیته به سوی مدرنیته متأخر (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹).

از آنجا که بدن یکی از شاخص های نهایی و بیان های غایی جهان اجتماعی است که در آن قرار داریم، می توانیم بپذیریم که داشتن بدن زیبا نشانه ارزش های اجتماعی و تا حدودی، سازوکار قدرت و کنترل

۱. Michel Foucault

۲. Cockerham

اجتماعی است. لذا در اینجا با چشم‌اندازی نظری روبه‌رو هستیم که بر نقش فعال بدن در جهان اجتماعی تأکید می‌کند. بنابراین، بدن را می‌توان به‌عنوان جنبه اساسی خودنمایشی تلقی نمود. مطالعه زیبایی ظاهری و بدن انسانی از مسائل مهم جامعه‌امروزی است. دلیل این امر آن است که در جوامع پیشامدرن، فرد در جمع مستحیل بود و انتخاب و تغییر شرایط موجود به‌مانند جوامع مدرن امروزی زمینه‌ای برای ظهور پیدا نمی‌کرد. در دوران جدید، افراد در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی نقشی مهم دارند. در همین راستا، نظریه‌های جامعه‌شناسی نیز از تأکید بر ساختارهای کلان به‌سوی «خود» و نظریه‌های خُرد تمایل پیدا کردند. براین اساس، مفهوم «کنشگر خلاق و معنا ساز» وارد حوزه مطالعات جامعه‌شناسی شد. کنشگری که با سیالت خود، واقعیت‌ها و ساختارهای کلان را آگاهانه می‌سازد (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

امروزه جراحی‌های زیبایی یکی از شایع‌ترین اعمال جراحی در سطح جهان می‌باشند و میزان متقاضیان آن رو به فزونی است (موسوی زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۱۸). آمارها نشان می‌دهد در ۲۰ سال گذشته، در جهان شمار مصرف‌کنندگان لوازم‌آرایی و متقاضیان عمل‌های زیبایی، ۸۰ درصد بیشتر شده است. اگرچه ایران را به‌عنوان رتبه نخست در جراحی‌های زیبایی می‌شناسند، اما بر اساس گزارش «انجمن بین‌المللی جراحی پلاستیک» (ISAPS) بالاترین میزان جراحی زیبایی با تعداد ۴,۰۴۲,۰۶۱۰ به کشور آمریکا اختصاص دارد. ایران در رتبه بیستم عمل‌های زیبایی جای دارد؛ به‌گونه‌ای که از هر ۱۰۰۰ نفر در ایران، ۶ نفر عمل جراحی انجام می‌دهند. باید توجه داشت که نوع جراحی در کشورهای مختلف، متفاوت است و ایران تنها به لحاظ جراحی بینی در صدر سایر کشورها قرار دارد. بنابراین رایج‌ترین عمل جراحی در ایران در زمینه جراحی بینی است (پریونا، ۲۰۱۸؛ به نقل از اخبار مشرق، ۱۳۹۷).

بر اساس آمار «انجمن بین‌المللی جراحی پلاستیک» (ISAPS) میزان تقاضای عمل‌های زیبایی از سوی زنان بیش‌تر است؛ به‌طوری‌که ۸۶/۴ درصد عمل‌های زیبایی مربوط به زنان است (همان). به دلیل سهم حداکثری زنان از کل افرادی که عمل‌های زیبایی روی آنان انجام می‌گیرد، جراحی زیبایی به‌عنوان پدیده‌ای زنانه معرفی شده است (جمالی، ۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد در زمینه مدیریت بدن، مطالعات کم‌تری با بهره‌گیری از نظریه سرمایه فرهنگی صورت گرفته است (ابراهیمی و ضیاء پور، ۱۳۹۱: ۱۲۷). سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی و تأثیرگذار بر مدیریت بدن به‌عنوان شاخصی ترکیبی، شامل بعد تجسم‌یافته یعنی تمایلات و گرایش‌های ذهنی و روانی افراد به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی و بعد نهادی یعنی مدارک و مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی

افراد است (بورديو^۱، ۱۹۸۶: ۲۴۶؛ به نقل از شعاع و نیازی، ۱۳۹۵: ۶۳). همچنین بررسی تحقیقات قبلی در این حوزه نشان‌دهنده این است که مدیریت بدن یکی از موضوعاتی بوده که بیش‌تر در سال‌های اخیر به آن پرداخته شده است. اما این پژوهش‌ها به‌صورت محدود انجام شده و تقریباً می‌توان گفت که در محیط‌های آموزشی مانند دانشگاه به‌ندرت چنین پژوهشی صورت گرفته است (سلطانی بهرام و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۳). بنا به دلایلی که مطرح شد، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مدیریت بدن در میان دانشجو معلمان دختر پردیس فرهنگیان همدان است.

یافته‌های پژوهش نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به مدیریت بدن» که در بین جوانان ۱۶-۱۸ ساله شهر اصفهان و با روش پیمایشی انجام شد، نشان داد که به ترتیب فرهنگ عمومی بین جوانان، پذیرش اجتماعی، گروه دوستان و همسالان، تبلیغات ماهواره‌ها و رسانه‌ها، گروه‌های مرجع، نارضایتی از بدن، عوامل اقتصادی و سرمایه فرهنگی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به مدیریت بدن است.

عبدالحسینی و حقیقتیان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در نوجوانان و جوانان دختر و پسر شهر اصفهان» با استفاده از روش پیمایش، به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای هویت اجتماعی، هویت دینی، هویت جنسی، سرمایه فرهنگی و سطح تحصیلات با مدیریت بدن رابطه وجود دارد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه صورت پذیرفت، دریافتند که میان متغیرهای پذیرش اجتماعی، احساس فشارهای اجتماعی، سرمایه فرهنگی، وضعیت شغلی و تأهل، طبقه اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی با مدیریت بدن رابطه مستقیم و میان متغیرهای دین‌داری و استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی با مدیریت بدن رابطه معکوس برقرار است.

شعاع و نیازی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیلی بر ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن» به این نتیجه رسیدند که متغیر سرمایه فرهنگی نقش متوسطی در تبیین واریانس مدیریت بدن ایفا می‌کند.

گل‌بهاری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه صورت پذیرفت، به این نتیجه رسیدند که نتایج حاصل از آزمون‌های

^۱ Bourdieu

همبستگی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین میزان سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن و عدم وجود رابطه معنادار بین تصویر ذهنی از بدن و متغیر وابسته است.

سلطانی بهرام و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در میان دانشجویان دانشگاه تبریز» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه انجام شد، دریافتند که سطح مدیریت بدن در میان دانشجویان در حد متوسط است و بین مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

کوهی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان شهر تبریز» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه صورت پذیرفت، به این نتیجه رسید که عوامل روان‌شناختی نظیر تصور بدنی، اعتماد به نفس و ایجاد نشاط و شادی، عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند مقایسه اجتماعی بدن، گروه‌های مرجع، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دین‌داری و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی و عوامل اقتصادی نظیر وضعیت شغلی و سرمایه اقتصادی در مدیریت بدن زنان تأثیرگذار هستند.

ضیاء پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن جوان (مطالعه موردی: جوانان شهر گیلان غرب)» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه انجام شد، به این نتیجه رسید که متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر متغیر مدیریت بدن تأثیرگذار می‌باشند.

ابراهیمی و بهنودی گدنه (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان» که به روش پیمایشی و با استفاده از فن پرسشنامه صورت پذیرفت، دریافتند که مدیریت ظاهر در میان جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن بود که هرچه میزان سرمایه فرهنگی افراد بیشتر باشد، نحوه مدیریت ظاهر نیز در میان دختران و پسران جوان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از سوی دیگر، نتایج حاصل از جداول توصیفی نشان داد که الگوی رایج مدیریت ظاهر در میان جوانان متأثر از نوگرایی و مؤلفه‌های مرتبط با دنیای مدرن است.

فیتزسیمونز و باردون کان^۱ (۲۰۱۱) طی پژوهش با عنوان «بررسی نظارت بر بدن و نگرانی از وزن و اندام در میان زنان کالج آفریقایی آمریکایی و هندواروپایی» به این نتیجه رسیدند که بین نظارت بدن و نگرانی‌ها درباره شکل و وزن بدن روابط متقابلی وجود دارد و این دو بر یکدیگر تأثیرگذارند؛ به این معنا که افراد با نگرانی بیش‌تر نسبت به ظاهر و وزن خود، به‌طور مداوم بر بدن خود نظارت می‌کنند و در مقابل افرادی که

^۱ Fitzsimmons & Bardone-Cone

در نتیجه گرایش به استانداردهای فرهنگی بدن، نظارت بدنی مداومی را اعمال می‌کنند، نگرانی بیشتری درباره وزن و ظاهر بدن خود دارند.

گروث و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ابعاد موقعیت اجتماعی - اقتصادی مرتبط با شاخص توده بدن و چاقی در میان زنان و مردان دانمارکی» به تعاملات بین ابعاد مختلف و تفاوت‌های جنسیتی پرداختند. نتایج نشان داد بعد آموزش، از ثابت‌ترین ارتباط با شاخص توده بدن و چاقی برخوردار بود و نشانگر اهمیت سرمایه فرهنگی در اهمیت وزنی است. همچنین فزونی مرتبط با وزن بدن برای زنان با شرایط مادی اجتماعی نامساعد مرتبط است، اما این برای مردان صدق نمی‌کند.

بررسی پژوهش‌های قبلی در این حوزه نشان‌دهنده این است که مدیریت بدن یکی از موضوعاتی بوده که بیش‌تر در سال‌های اخیر به آن پرداخته شده است؛ اما این پژوهش‌ها به صورت محدود انجام شده و تقریباً می‌توان گفت که در محیط‌های آموزشی مانند دانشگاه به ندرت چنین پژوهش‌های صورت گرفته است. در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی که افراد با سرمایه‌های فرهنگی متنوع حضور پیدا می‌کنند و به لحاظ وارد شدن در محافل دانشگاهی و امکان استفاده از محصولات فرهنگی (روزنامه، مجلات گوناگون و اینترنت و ...) از نظام فرهنگ علمی بیشتری برخوردارند و بیش‌تر در معرض رفتارهای مدیریت بدن قرار دارند، ضروری است به رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی پرداخته شود.

همچنین در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت بدن، از نرم‌افزارهای معادلات ساختاری مانند AMOS برای تحلیل داده‌ها استفاده نشده است. با توجه به کاستی‌های مطالعات انجام شده، در این پژوهش سعی بر آن است که ضعف‌های موجود تا حدی برطرف گردد و تحقیق با محور تأثیر سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در بین دانشجو معلمان دختر انجام گردد.

چارچوب نظری پژوهش

سرمایه فرهنگی

پیر بوردیو برای اولین بار مفهوم سرمایه فرهنگی (۱۹۹۰) را به کار برده است. مقصود وی از این استعاره، سرمایه‌گذاری‌های طبقه مسلط در بازتولید مجموعه‌ای از نمادها

^۱ Groth et al.

و معانی است که از سوی طبقه تحت سلطه به‌طور غلط درک و درونی شده و آن‌ها را به‌مثابه نمادها و معانی طبقه خود پذیرفته‌اند. طبق این نظریه، سرمایه‌گذاری درکنش‌های آموزشی فرایند بازتولید همچون تعلیم و تربیت قرار دارد که هدف از آن تلقین توده‌ها و درونی کردن ارزش‌های این نمادها و معانی است. به نظر بوردیو، انتخاب راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و اندوخته‌های افراد دارد. به عقیده وی، از بعضی جهات، سرمایه فرهنگی بهترین و مؤثرترین روش انتقال سرمایه موروثی است، زیرا تا حد زیادی به‌صورت عینی انجام گرفته و بنابراین از کنترل کمتری برخوردار است. از نظر بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی تنها از سرمایه مادی حکایت نمی‌کند، بلکه ناشی از شرایط خانوادگی یا مدرسه‌ای، تا حدی از سرمایه اقتصادی مستقل عمل می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۳۹؛ به نقل از نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی پابرجاترین و ثابت‌ترین نوع سرمایه است (بوردیو، ۱۹۹۲: ۱۱۹). سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارت‌اند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. تفاوت میزان سرمایه فرهنگی در افراد نیز ناشی از انباشت این نوع سرمایه در دارندگان است (Bourdieu, ۱۹۸۶: ۲۲۵). این اندیشمند اجتماعی برای سرمایه فرهنگی سه سویه قائل است:

۱. سویه تجسم‌یافته که ترتیبات دیرپای ذهن و بدن را شامل می‌شود؛
۲. سویه عینیت یافته که به‌صورت کالاهای فرهنگی مانند تصاویر، کتب، کامپیوتر و هنر بروز می‌یابد؛
۳. سویه نهادینه‌شده که از طریق مدارک رسمی و دیگر نشانگرهای پایگاه فرهنگی بازنمایی می‌شود. سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که کنشگر برای حفظ کردن یا به دست آوردن موقعیتی اجتماعی از آن استفاده می‌کند. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی به عادت واره‌هایی برمی‌گردد که در میدان زندگی استفاده می‌شود تا به حفظ، بازتولید یا ارتقای سرمایه‌های متنوع بینجامد (بقایی سرایی و حق‌شناس، ۱۳۹۵: ۸۱).

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته

این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. درواقع، نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمدده است. این همان بخشی است که بورديو آن را «بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد» می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه، خرید و یا مبادله به دیگری منتقل کرد. این نوع سرمایه، به‌صورت آمادگی مداوم ذهن و جسم، تجلی می‌یابد (قاسمی و نامدار جویمی، ۱۳۹۳: ۱۰). این سرمایه می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان در شکل یادگیری افزایش یابد. این سرمایه در فرد عجین شده، نوعی از رفتار فرد می‌شود و بنابراین نمی‌تواند به‌طور آنی انتقال یابد (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۶۰).

سرمایه فرهنگی عینیت یافته

یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به‌طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است. لذا کالاهای فرهنگی را می‌توان به‌صورت مادی تخصیص داد که منجر به سرمایه اقتصادی می‌شود و هم به‌صورت نمادی که منجر به سرمایه فرهنگی می‌شود (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵).

سرمایه فرهنگی نهادی شده

سرمایه فرهنگی نهادی شده، عینیت بخشیدن به سرمایه فرهنگی از طریق مدارک دانشگاهی و تحصیلی است که خارج از دارایی‌های مادی و عینی فرهنگی، سرمایه تجسمی و بیولوژیکی واقعیت پیدا می‌کند (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن

مدیریت بدن به معنای دست‌کاری مستمر در ویژگی‌های ظاهری مرئی بدن است و این مفهوم با کمک معرف‌های مانند انواع عادت‌ها در لباس پوشیدن، آرایش موی سر، استفاده از پیرایه‌ها، رژیم غذایی، دست‌کاری پزشکی، میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی، جراحی زیبایی، کنترل وزن و... سنجیده می‌شود (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴).

بورديو تحلیل خود از بدن را به تولید و تبدیل سرمایه پیوند می‌زند. سهم بورديو در مفهوم‌سازی از سرمایه فیزیکی نیز تأثیر فراوانی در رشد جامعه‌شناسی بدن داشته است. بورديو سرمایه بدن را به‌مثابه یکی از انواع

فرعی سرمایه فرهنگی، نوعی منبع فرهنگی می‌داند که در بدن سرمایه‌گذاری شده است. بورديو معتقد است که هرکدام از سرمایه‌های فرد به‌ویژه سرمایه فرهنگی فرد بر نگرش وی نسبت به بدنش تأثیرگذار است. بورديو همچنین تولید سرمایه فیزیکی را درگرو توسعه و گسترش بدن می‌داند که به‌موجب آن بدن حاصل ارزش در زمینه‌های اجتماعی قلمداد می‌گردد (حیدر خانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲).

صورت‌بندی‌های بورديو برای تلفیق ساختار و عاملیت و تبیین نحوه بازاندیشی کنشگران در تعریف کیستی‌شان در فضای اجتماعی با تکیه بر وجوه مختلف سرمایه می‌تواند در راستای رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن تحلیل شود. مدیریت بدن نیز در فضای بصری فرهنگ مدرن می‌تواند به‌عنوان رسانه‌ای هویتی در چارچوب نظم مدرن در تعریف کیستی فرد نقش بسزایی داشته باشد. این نکته در قالب بحث راهبرد تمایز بورديو قابل بررسی است. در این زمینه می‌توان وجوه مختلف رفتارهای مربوط به مدیریت ظاهر را در ارتباط با مبارزه‌های نمادینی دید که در فضای اجتماعی از سوی کنشگران بر اساس حجم ترکیب سرمایه‌های مختلف برای تثبیت جایگاه و بازتعریف کیستی‌شان صورت می‌پذیرد (ابراهیمی و ضیاء پور، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

اندیشه شیلینگ^۱ در مورد پروژه بدن بر دو اصل تکیه دارد: اولین اصل، کاربرد دانش فنی در مداخله و تغییر در بدن است. اصل دوم به تعداد مردمانی مربوط می‌شود که به‌طور فزاینده از این امر اطلاع می‌یابند که با انتخاب نوع خاصی از شیوه زندگی، بدنشان در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۱). شیلینگ نیز مانند بورديو بدن را نوعی سرمایه می‌داند که از طریق توانایی گروه‌های مسلط در معرفی بدن و سبک زندگی ارزشمند و والا تبیین و تعریف می‌شود. وی بدن را پروژه‌ای ناتمام می‌داند که طی فرایند مشارکت در جامعه تغییر می‌یابد و معتقد است مدرنیته متأخر نوعی تفرد سازی بی‌سابقه را در باب بدن خلق کرده است که بر اساس آن معناها مستور گردیده و بدن به حامل ارزش نمادین مبدل شده است (احمد نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۲؛ شعاع و نیازی، ۱۳۹۵: ۶۹). مارتین^۲ معتقد است که در حقیقت تغییر و اصلاح بدن باعث تصور نوینی از بدن می‌شود. اصطلاح تصور بدن، توصیف راه‌هایی است که فرد بدن خود را به لحاظ اجتماعی مفهوم‌سازی کرده، آن را به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه تجربه می‌کند. تصور بدنی، پویاست و در طول زندگی فرد شکل می‌گیرد و پیوسته در حال تجدید شدن است. ایده‌ها و گفتمان‌های مسلط در بسترهای اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند، در

^۱ Shilling

^۲ Martin

ساخت تصورات بدنی او نقش مهمی دارند. بنابراین، تصورات افراد درباره بدن و سلامتی و بیماری با تحلیل‌های فرهنگی تعیین می‌شود (سلطانی بهرام و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

بر اساس نظر گانتز، دختران جوان به آن ظواهری از زندگی خود اهمیت می‌دهند و بر آن نظارت دارند که تحت کنترل و در حوزه قدرت خود دارند. بدن حامل هویت برای آنان است و از طریق کنترل و دست‌کاری بر آن، ضعف خود در حوزه‌های دیگر را جبران می‌کنند (ابراهیمی و ضیاء پور، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

بدین ترتیب، فرضیه‌های پژوهش حاضر به قرار زیر است:

- بین سرمایه فرهنگی نهاده‌شده و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.
- بین ابعاد سرمایه فرهنگی (نهاده‌شده، عینیت یافته و تجسم یافته) و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش شامل تمامی ۳۴۴ دانشجو معلم دختر دانشگاه پردیس شهر همدان بود که در زمان انجام تحقیق، در این دانشگاه مشغول تحصیل بودند. این پژوهش در سال ۱۳۹۸ انجام شد و واحد تحلیل در این تحقیق، فرد (دانشجو معلمان دختر دانشگاه پردیس همدان) بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده گردید و برای محاسبه حجم نمونه آماری، از فرمول کوکران بهره‌گیری شد. حجم نمونه پس از محاسبه $n=182$ نفر به دست آمد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه بود که پایایی سؤال‌های پرسش‌نامه از طریق ۳۰ پرسش‌نامه توزیع شده در مرحله پیش‌آزمون و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مشخص شد. مقادیر آلفا در جدول ۱ آورده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS پردازش شده است.

جدول ۱: مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده در مرحله پیش‌آزمون

متغیرها	مقدار آلفا
مدیریت بدن	۰/۸۵
نگرش نسبت به آرایش	۰/۷۰
لوازم آرایشی - بهداشتی	۰/۸۳

۰/۷۰	کنترل وزن برای تناسب اندام
۰/۷۶	سرمایه فرهنگی
۰/۷۹	سرمایه فرهنگی نهاده شده
۰/۷۰	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۶۹	سرمایه فرهنگی تجسم یافته

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: مدیریت بدن

مدیریت بدن به معنای نظارت و دستکاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن تعریف می‌شود. مدیریت بدن نه فقط شامل تفکر درباره چگونگی قیافه شخصی، بلکه شامل فعالیت‌هایی برای نمایش قیافه و ظاهر نیز می‌شود. هر نوع تفکر و فعالیتی که به خریداری و پوشیدن لباس و نیز فرآیندهای تغییر بدن مانند رژیم‌های غذایی و ورزش و غیره منجر می‌شود، به عنوان بخشی از مدیریت بدن در نظر گرفته می‌شود (جعفری، ۱۳۹۵، ۶۳). برای تعریف عملیاتی متغیر مدیریت بدن از ۲۰ شاخص در سه بعد نگرش نسبت به آرایش، لوازم آرایشی-بهداشتی و کنترل وزن برای تناسب اندام استفاده شده است. نگرش نسبت به آرایش: از طریق ۹ شاخص، جراحی صورت یا بینی اگر به جوان‌تر و زیباتر شدن کمک کند خوب است، اندام ظریف بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، آرایش برای زنان میان‌سالی است که اغلب طراوت و شادابی جوانی را ندارند، به نظر من آرایش بیشتر مخصوص میهمانی و مجالس است و... سنجیده شده است.

لوازم آرایشی - بهداشتی: از طریق ۵ شاخص، استفاده از عطر و اودکلن، استفاده از رژ گونه، استفاده از ناخن مصنوعی، استفاده از اپیلاسیون و استفاده از کرم‌های مرطوب‌کننده سنجیده شده است. کنترل وزن برای تناسب اندام: از طریق ۶ شاخص، استفاده از پیاده‌روی، کنترل وزن از طریق رژیم غذایی، کنترل وزن از طریق ورزش و... سنجیده شده است.

متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی و ابعاد آن)

سرمایه فرهنگی همان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است که تحصیلات یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های آن است یا به معنای تصاحب کالاها و اطلاعات فرهنگی است که با معرف‌های مربوط به کتاب و کتاب‌خوانی، فیلم و سینما، تئاتر و موسیقی به متغیرهایی با پنج طیف خیلی کم، کم، تا اندازه‌ای، خیلی زیاد و زیاد سنجیده شده است. بر اساس مطالعات نظری این سرمایه در سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی قابل مطالعه است (ضیاء پور، ۱۳۸۹: ۸۹). برای تعریف عملیاتی متغیر

سرمایه فرهنگی از ۲۰ شاخص در سه بعد سرمایه فرهنگی نهادی، عینیت یافته و تجسم یافته استفاده شده است.

سرمایه فرهنگی نهادی: از طریق ۲ شاخص مدرک تحصیلی پدر و مادر سنجیده شده است. سرمایه فرهنگی عینیت یافته: از طریق ۱۱ شاخص میزان علاقه شما به جمع آوری اشیای عتیقه مثل تابلوی نقاشی و عکس چقدر است، شما ماهانه تا چه حد از موزه‌ها، گالری‌ها و نمایشگاه‌ها و فرهنگ‌سراها دیدن می‌کنید، در منزل چه تعداد آثار هنری از قبیل نقاشی، مجسمه و... دارید، کتاب‌های غیردرسی موجود در خانه شما چه تعداد است؟ و ... سنجیده شده است.

سرمایه فرهنگی تجسم یافته: از طریق ۷ شاخص شما تا چه حدی به زبان‌های خارجی مانند عربی، زبان انگلیسی، فرانسه و غیره تسلط دارید، شما روزانه تا چه حدی وقت خود را صرف گوش دادن به موسیقی می‌کنید، در صورتی که نظرتان با نظر کل گروه مخالف باشد تا چه میزان بر نظر خود اصرار و تأکید می‌کنید؟ و... سنجیده شده است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

سن پاسخ‌گویان بر مبنای حداقل سن ۱۸ و حداکثر آن ۲۳ بود. هم‌چنین، ۲۰/۳ درصد پاسخ‌گویان در رشته علوم اجتماعی، ۶۹/۸ درصد در رشته علوم تربیتی و ۹/۹ درصد در رشته ادبیات تحصیل می‌کردند. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان از نظر میزان تحصیلات والدین، ۵۱/۱ درصد پدران زیر دیپلم، ۲۴/۷ درصد دیپلم، ۲/۷ درصد فوق دیپلم، ۱۳/۷ درصد کارشناسی و ۷/۷ درصد هم دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. هم‌چنین مطابق یافته‌های توصیفی ۶۸/۷ درصد مادران زیر دیپلم، ۱۹/۲ درصد دیپلم، ۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۴/۹ درصد کارشناسی و ۳/۸ درصد هم دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار، بیش‌ترین و کم‌ترین نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

شاخص	متغیر	میانگین	انحراف معیار	کم ترین	بیش ترین	تعداد گویه
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۳/۵۸	۲/۱۸۰	۲	۱۰	۲	
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۲۵/۹۲	۵/۵۷۱	۱۵	۳۸	۱۱	
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۱۹/۴۷	۳/۶۳۵	۱۰	۲۹	۷	
سرمایه فرهنگی	۴۸/۹۷	۸/۷۵۲	۳۳	۷۷	۲۰	
مدیریت بدن	۴۶/۱۹	۱۲/۱۸۱	۲۴	۸۸	۲۰	

۹	۴۵	۹	۶/۹۶۵	۱۹/۱۸	نگرش نسبت به آرایش
۵	۲۵	۵	۴/۱۶۲	۱۵/۱۱	لوازم آرایشی - بهداشتی
۶	۲۴	۶	۳/۹۸۶	۱۱/۹۰	کنترل وزن برای تناسب اندام

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می شود، میانگین سرمایه فرهنگی نهاده شده برابر ۳/۵۸ و انحراف معیار آن برابر ۲/۱۸۰ است که نشان دهنده میزان پایینی از سرمایه فرهنگی نهاده شده در میان پاسخگویان است. میانگین سرمایه فرهنگی عینیت یافته برابر ۲۵/۹۲ و انحراف معیار آن برابر ۵/۵۷۱ می باشد که نشان دهنده میزان متوسط سرمایه فرهنگی عینیت یافته در میان پاسخگویان است. همچنین میانگین سرمایه فرهنگی تجسم یافته برابر ۱۹/۴۷ و انحراف معیار آن برابر ۳/۶۳۵ می باشد که نشان دهنده میزان متوسطی از سرمایه فرهنگی تجسم یافته در میان پاسخگویان است. میانگین سرمایه فرهنگی برابر ۴۸/۹۷ و انحراف معیار آن برابر ۸/۷۵۲ می باشد که نشان دهنده میزان متوسطی از سرمایه فرهنگی در میان پاسخگویان است. همچنین میانگین مدیریت بدن برابر ۴۶/۱۹ و انحراف معیار آن برابر ۱۲/۱۸۱ می باشد که نشان دهنده میزان پایین توجه به مدیریت بدن در میان پاسخگویان است. میانگین متغیر نگرش نسبت به آرایش برابر ۱۹/۱۸ و انحراف معیار آن برابر ۶/۹۶۵ می باشد که نشان دهنده میزان پایین نگرش به آرایش در میان پاسخگویان است. میانگین متغیر میزان استفاده از لوازم آرایشی - بهداشتی برابر ۱۵/۱۱ و انحراف معیار آن برابر ۴/۱۶۲ است که نشان می دهد پاسخگویان در سطح پایینی از لوازم آرایشی - بهداشتی استفاده کرده اند. همچنین میانگین کنترل وزن برای تناسب اندام برابر ۱۱/۹۰ و انحراف معیار آن برابر ۳/۲۳۸ است که نشان می دهد پاسخگویان در سطح پایینی از شاخص های کنترل وزن برای تناسب اندام استفاده کرده اند.

تحلیل استنباطی

فرضیه اول: بین سرمایه فرهنگی نهاده شده و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر سرمایه فرهنگی نهاده شده و مدیریت بدن

متغیرها	نگرش نسبت به آرایش	لوازم آرایشی - بهداشتی	کنترل وزن برای تناسب اندام	مدیریت بدن
سرمایه فرهنگی	۰/۱۶۶	۰/۲۴۸	۰/۲۹۴	۰/۲۷۶
نهاده شده	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سطح معناداری				

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۲۷۶ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون کم تر از ۰/۰۵ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان سرمایه فرهنگی نهاده شده و مدیریت بدن و معنی دار نبودن آن رد می شود و با توجه به مثبت

بودن ضریب پیرسون مشخص می‌شود که هرچه پاسخگویان از میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی نهاده شده برخوردار باشند، توجه به مدیریت بدن نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد و برعکس. همچنین ضریب همبستگی پیرسون برای هر دو متغیر نشان می‌دهد که شدت رابطه ضعیف است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت بین سرمایه فرهنگی نهاده شده و مدیریت بدن در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن

متغیرها		نگرش نسبت به آرایش	لوازم آرایشی - بهداشتی	کنترل وزن برای تناسب اندام	مدیریت بدن
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	ضریب همبستگی	۰/۲۵۲	۰/۳۸۳	۰/۱۸۵	۰/۳۳۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۳۶ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن و معنی‌دار نبودن آن رد می‌شود و با توجه به مثبت بودن ضریب پیرسون مشخص می‌شود که هرچه پاسخ‌گویان از میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی عینیت یافته برخوردار باشند، توجه به مدیریت بدن نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد و برعکس. همچنین ضریب همبستگی پیرسون برای هر دو متغیر نشان می‌دهد که شدت رابطه متوسط است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم: بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته و مدیریت بدن

متغیرها		نگرش نسبت به آرایش	لوازم آرایشی - بهداشتی	کنترل وزن برای تناسب اندام	مدیریت بدن
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	ضریب همبستگی	۰/۱۸۷	۰/۳۶۲	۰/۴۳۷	۰/۳۷۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۷۳ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن

رابطه میان متغیرهای سرمایه فرهنگی تجسم یافته و مدیریت بدن و معنی دار نبودن آن رد می شود و با توجه به مثبت بودن ضریب پیرسون مشخص می شود که هرچه پاسخ گویان از میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی تجسم یافته برخوردار باشند، توجه به مدیریت بدن نیز در بین آن ها افزایش می یابد و برعکس. همچنین ضریب همبستگی پیرسون برای هردو متغیر نشان می دهد که شدت رابطه متوسط است. درنهایت می توان نتیجه گرفت بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و متغیر مدیریت بدن در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبتی دارد و این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه چهارم: بین ابعاد سرمایه فرهنگی (نهادینه، عینیت یافته و تجسم یافته) و مدیریت بدن رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن

مدیریت بدن	کنترل وزن برای تناسب اندام	لوازم آرایشی - بهداشتی	نگرش نسبت به آرایش	متغیرها	
۰/۴۳۷	۰/۳۷۳	۰/۴۵۶	۰/۲۷۹	ضریب همبستگی	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	

همان گونه که در جدول ۶ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۳۷ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون کم تر از ۰/۰۵ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان متغیرهای سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن و معنی دار نبودن آن رد می شود و با توجه به مثبت بودن ضریب پیرسون مشخص می شود که هرچه پاسخ گویان از میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی برخوردار باشند، توجه به مدیریت بدن نیز در بین آن ها افزایش می یابد و برعکس. همچنین ضریب همبستگی پیرسون برای هردو متغیر نشان می دهد که شدت رابطه متوسط است. درنهایت می توان نتیجه گرفت بین متغیر سرمایه فرهنگی و متغیر مدیریت بدن در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول ۷: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره

شاخص ها متغیرها	B	اشتباه استاندارد	Beta	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۵/۵۰۳	۴/۸۸۷		۳/۱۷۲	۰/۰۰۲
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۳۴۰	۰/۱۶۹	۰/۱۵۶	۲/۰۱۳	۰/۰۴۶
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۹۲۹	۰/۲۵۰	۰/۲۷۷	۳/۷۲۲	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۱/۰۵۶	۰/۲۵۰	۰/۱۸۹	۲/۷۰۰	۰/۰۰۸

نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون مدیریت بدن با متغیرهای سرمایه فرهنگی نهاده شده، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی تجسم یافته، (به روش Enter) در جدول ۷ نشان می‌دهد که میزان F محاسبه شده معنی‌دار است ($p < 0/01$). همچنین بر اساس ضریب تعیین محاسبه شده حدود $0/208$ از واریانس مربوط به متغیر مدیریت بدن با متغیرهای ارائه شده در مدل، توضیح داده می‌شود. این جدول میزان همبستگی بین متغیرهای مدل و مدیریت بدن را نیز نشان می‌دهد که طبق آن، سرمایه فرهنگی نهاده شده، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی تجسم یافته معنادار بوده اند. بنابراین اطلاعات تحلیل شده حاکی از اهمیت این سه بعد است.

مدل سازی معادله ساختاری

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود میزان تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن $1/00$ است که نشان دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر است؛ یعنی افزایش میزان سرمایه فرهنگی باعث افزایش میزان متغیر مدیریت بدن در میان دانشجویان می‌شود.



شکل ۱: مدل ساختاری سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن

به‌طور کلی شاخص‌هایی که برای بررسی برازش مدل استفاده می‌شوند، سه دسته اند: برازش مطلق، برازش تطبیقی و برازش مقتصد. شاخص‌هایی از نوع برازش مطلق نشان می‌دهند که تا چه میزان مدل فرضی پیشنهادی شبیه به مدل مشاهدات است. مقدار این دسته از شاخص‌ها بر اساس ماتریس مانده‌ها، درجه آزادی و تعداد نمونه تعیین می‌شود و از آنجایی که این محاسبه بر اساس مقایسه مدل با مدل‌های دیگر نیست به آن «برازش مطلق» می‌گویند. GFI از جمله شاخص‌های برازش مطلق هستند. شاخص‌های برازش تطبیقی، نشان‌دهنده موقعیت نسبی مدل بین بدترین برازش (صفر) و بهترین برازش (یک) هستند.

آستانه پذیرش شاخص‌های این گروه برای برازش خوب بالای ۰/۹۰ است. CFI, IFI, NFI از جمله شاخص‌های تطبیقی هستند. شاخص‌های برازش مقتصد، برای مقایسه مدل‌های مختلف با پارامترهای متفاوت استفاده می‌شوند و مقدار آن‌ها برای تصمیم‌گیری روی پذیرش یا رد کردن مدل به کار نمی‌رود و آستانه پذیرشی برای این منظور ندارند. CMIN/DF از جمله شاخص‌های برازش گروه مقتصد است.

جدول ۸: شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	نام کامل	بازه‌ی قابل قبول	اندازه در مدل	نتیجه
GFI	Goodness-of-fit index	$> 0/90$ قابل قبول	۰/۹۶	غیر قابل قبول
NFI	normed fit index	$> 0/90$ قابل قبول	۰/۹۱	غیر قابل قبول
IFI	incremental fit index	$> 0/90$ قابل قبول	۰/۹۳	قابل قبول
CFI	comparative fit index	$> 0/90$ قابل قبول	۰/۹۳	قابل قبول
CMIN/DF	Minimum discrepancy function by degrees of freedom divided	< 3 خوب < 5 قابل قبول	۳/۵۰۸	قابل قبول

با توجه به نتایج جدول ۸، شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی برخوردار است.

جدول ۹: میزان ضرایب غیراستاندارد، استاندارد و آماره t در الگوی معادلات ساختاری

ردیف	مسیرهای اصلی	ضریب مسیر غیراستاندارد	ضریب مسیر استاندارد	T Statistic
۱	سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن	۲/۹۲	۱/۰۰	۳/۵۷۹

جدول ۹ نشان می‌دهد که مسیر اصلی یعنی سرمایه فرهنگی به مدیریت بدن میزان ضریب مسیر استاندارد ۱/۰۰ و قدر مطلق آماره T نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ است. به این ترتیب، این فرضیه یعنی رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن تأیید می‌شود.

بر اساس این یافته می‌توان گفت که توجه به مقوله مدیریت بدن در بین دانشجویان از اهمیت عمده‌ای برخوردار است. سرمایه فرهنگی سهم مهمی را در تبیین مدیریت بدن دارد و توجه به موقعیت سنی دانشجویان و جنسیت آن‌ها (برای دختران) مهم است و اهتمام بسیاری را از سوی پژوهشگران اجتماعی و متصدیان اجرایی می‌طلبد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن پرداخته است که طی آن دانشجو معلمان دختر دانشگاه پردیس فرهنگیان همدان به عنوان مورد مطالعه در نظر گرفته شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی و ابعاد آن یعنی سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده بر مدیریت بدن تأثیر دارند. با توجه به این که تأکید این تحقیق بر تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن بوده، نتایج مدل سازی معادلات ساختاری نیز تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن را تأیید کرده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت سرمایه فرهنگی به عنوان پارامتری تأثیرگذار در رابطه با مدیریت بدن است؛ یعنی با افزایش میزان سرمایه فرهنگی در میان پاسخ‌گویان، توجه به مدیریت بدن نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد و برعکس. با توجه به نظریه بوردیو، در تحلیل این نتیجه می‌توان گفت که هرکدام از سرمایه‌های فرد به ویژه سرمایه فرهنگی او بر نگرش وی نسبت به بدنش تأثیرگذار است. هم چنین وی معتقد است که وجوه مختلف رفتارهای مربوط به مدیریت ظاهر بر اساس حجم ترکیب سرمایه‌های مختلف صورت می‌پذیرد.

همچنین، این فرضیه بر اساس نظریه مارتین که معتقد است ایده‌ها و گفتمان‌های مسلط در بسترهای اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند، در ساخت تصورات بدنی او نقش مهمی دارند و تصورات افراد درباره بدن و سلامتی و بیماری با تحلیل‌های فرهنگی تعیین می‌شود، قابل تبیین است. یافته‌های این تحقیق با پژوهش‌های داخلی نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۸)، عبدالحسینی و حقیقتیان (۱۳۹۶)، شعاع و نیازی (۱۳۹۵)، ابراهیم نژاد (۱۳۹۲)، گل‌بهراری (۱۳۹۱)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۱) و ضیاء پور (۱۳۸۹) و پژوهش‌های خارجی فیتزسیمونز و باردون کان (۲۰۱۱) و گروت و دیگران (۲۰۰۹) همسوست. با توجه به این که در پژوهش حاضر، سرمایه فرهنگی سهم مهمی را در تبیین مدیریت بدن دارد و هم چنین لزوم توجه به موقعیت سنی دانشجویان و جنسیت آن‌ها (برای دختران)، اهتمام ویژه پژوهشگران اجتماعی و متصدیان اجرایی ضرورت دارد.

آنچه امروزه بیش از پیش ضرورت دارد، این است که نهادها و سازمان‌های مختلف متصدی در عرصه فرهنگ، برنامه‌ریزی مناسبی برای استفاده افراد از سرمایه‌های فرهنگی از جمله کتاب، روزنامه‌ها، مجله‌ها، فیلم‌ها، برگزاری نمایشگاه، سخنرانی‌ها و... داشته باشند تا در کارکرد آگاهی بخشی و دادن بصیرت لازم به افراد در مورد چگونگی مدیریت بدن آن‌ها تأثیر مثبتی بر جای بگذارد و از تأثیرهای منفی که می‌تواند بر چگونگی مدیریت بدن داشته باشند تا حد امکان اجتناب شود.

از آنجا که این پژوهش در شهر همدان و در بین دانشجو معلمان دختر پردیس فرهنگیان شهر همدان انجام شده، بنابراین نتایج آن تنها بر آنها قابلیت تعمیم دارد و نمی‌توان آن را به کل کشور تعمیم داد. به علاوه، شمار پژوهش‌هایی که به‌طور جداگانه به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن پرداخته باشند، بسیار اندک بود و به همین دلیل انجام این پژوهش با دشواری همراه بوده است.

با توجه به این‌که روش این پژوهش از نوع کمی بود، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعد از روش کیفی استفاده شود.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۵-۵۷.
- اباذری، رزا. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن؛ مطالعه موردی زنان ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن شهر ساری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی، گدنه. (۱۳۸۹). «سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان». فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۵۳ - ۱۷۶.
- ابراهیمی، قربانعلی و ضیاء پور، آرش. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن؛ مطالعه تجربی جوانان شهر گیلان غرب». جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره پیاپی (۴۵)، شماره ۱، صص ۱۲۵ - ۱۴۸.
- ابراهیمی نژاد، عاطفه. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با نوع آرایش زنان ۲۵ تا ۳۵ ساله شهر تهران؛ بررسی مقایسه‌ای مناطق ۲ و ۱۶». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ، رشته مطالعات فرهنگی.
- احمد نیا، شیرین. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی بدن و بدن زن (فصل زنان). نوشین احمدی و پروانه اردلان. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- احمدی، عزت‌الله؛ عدلی پور، صمد؛ افشار، سیمین و بنیاد، لیلی. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز». پژوهش‌نامه زنان، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۹ - ۵۰.
- بقائی سرایی، علی و حق‌شناس، سمیه. (۱۳۹۵). «تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی». پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره ۱، صص ۷۳ - ۹۷.
- بوردیو، پی. یر. (۱۳۸۹). شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. کیان تاج‌بخش. تهران: انتشارات شیرازه.
- بی‌نام (۱۳۹۷). «کدام کشورها بیش‌ترین جراحی زیبایی را انجام می‌دهند؟» اخبار مشرق، ۱۳۹۷/۱۲/۰۷.

<https://www.mashreghnews.ir/news>

- حیدر خانی، هابیل؛ حاجی آقایی، لیلا و رحمانی، غلام عباس. (۱۳۹۲). «رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در زنان». فصلنامه زن و فرهنگ. سال ۴، شماره ۱۸، صص ۵۵ - ۷۰.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). «سبک زندگی و مدیریت بدن». فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان. سال ۲، شماره ۴، صص ۲۱ - ۴۸.
- جعفری، فاطمه. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مدیریت بدن (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۵ ساله ساکن شهر نورآباد ممسنی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج، گروه جامعه‌شناسی.
- جمالی، رامین. (۱۳۹۶). «چرا جراحی‌های زیبایی در ایران طرفداران زیادی دارد؟» سایت سلامت نیوز. ۱۳۹۶/۰۹/۲۱. <http://www.salamatnews.com/news/>
- سفیری، خدیجه و گل‌بهری، ندا. (۱۳۹۲). «رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در بین زنان و مردان ۲۰ تا ۵۹ سال ساکن تهران». مطالعات جامعه‌شناختی. دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۳۹ - ۶۵.
- سلطانی بهرام؛ محمدباقر عزیززاده، سعید و کوهی، کمال. (۱۳۹۱). «ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در میان دانشجویان دانشگاه تبریز». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۱۸۱ - ۲۰۵.
- شارع پور، محمود؛ متولیان، صباح و رازقی مله، هادی. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مشارکت شهری (مطالعه موردی: شهروندان شهر ساری)». مجله مدیریت فرهنگی. سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۲۹ - ۴۶.
- شعاع، صدیقه و نیازی، محسن. (۱۳۹۵). «فرا تحلیلی بر ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۹، شماره ۱، صص ۶۱ - ۸۸.
- صادقی فسائی، سهیلا؛ فاضل، رضا و رضایی، حسین. (۱۳۹۵). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مدیریت بدن زنان متولد دهه ۶۰ (مطالعه کیفی زنان شهر همدان)». فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۷ - ۶۱.
- ضیاء پور، آرش. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن جوانان (مطالعه موردی: جوانان شهر گیلان غرب)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

- عباس زاده، محمد؛ اقدسی، فرانک؛ کوهی، کمال و سعادت، موسی. (۱۳۹۲). «تأثیر سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سلامت روانی بر مدیریت بدن در بین زنان شهر تبریز». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۹۷-۲۲۳.
- عبدالحسینی، اشرف و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در نوجوانان و جوانان دختر و پسر شهر اصفهان». فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۱۶، سال ۷، شماره ۶۷، صص ۲۳۳-۲۷۱.
- کوهی، کمال. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان شهر تبریز». پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- گل‌بهراری، ندا. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- فرجی، لیلا و فعلی، جواد. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی (NGOS)». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۶۷-۱۹۷.
- قاسمی، یار محمد و نامدار جویمی، احسان. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)». فرهنگ ایلام. دوره ۱۵، شماره ۴۵ و ۴۴، صص ۷-۲۱.
- موسوی زاده، سید مهدی و دیگران. (۱۳۸۸). «ارزیابی گرایش و انگیزه‌های بیماران زن در جراحی‌های زیبایی». مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. سال ۱۴، شماره ۷۲، صص ۳۱۸-۳۲۳.
- نادریان جهرمی، مسعود و پژوهان، فاطمه. (۱۳۹۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به مدیریت بدن (مطالعه موردی: جوانان ۱۶-۱۸ ساله شهر اصفهان)». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. شماره پیاپی ۲۷، شماره ۴، صص ۱-۱۶.
- نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان». فصلنامه مطالعات ملی. سال ۸، شماره ۳۱، صص ۵۵-۸۰.
- نیازی، محسن؛ سعادت، موسی؛ منتظری خوش، حسن و حاتمی، رقیه. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بروز رفتارهای پرخطر (مورد مطالعه: جوانان شهر تبریز)». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۴۲، صص ۱-۳۰.

- Bourdieu, P (۱۹۹۲). **An Invitation to reflexive sociology**. University of Chicago press and polity press.
- Bourdieu, P. (۱۹۸۶). **The forms of capital in handbook of theory and research for the sociology of education**. J.G. Richardson (ed). New York: Greenwood Press, ۲۴۱-۲۵۸.
- Cockerham, William, C. (۲۰۰۱). **The Blackwell Companion to Medical Sociology**. Oxford: Blackwell Publishers.
- Fitzsimmons, E. & Bardone-Cone, M. A. (۲۰۱۱) **“Downward Spirals of Body Surveillance and Weight/Shape Concern among African American and Caucasian College Women”**.
- Groth. M. V, Fagt. S, Stockmarr. A, Matthiessen. J & Biloft-Jensen, A. (۲۰۰۹). **“Dimensions of Socioeconomic position toBody Mass index and Obesity Danish Woman and Men”**. Scandinavian Journal of Public Health, Vol۳۷, ۴۱۸-۴۲۶.



Effects of Cultural Capital on Body Management (Case Study: Female Student Teachers of Farhangian Campus in Hamedan)

Jaber Molaie

Ph.D., Instructor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Iran

Habib Hashemifar

Master Degree in Sociology, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Fatemeh Hashemi Arouf

Bachelor of Social Sciences, Farhangian Campus University, Hamedan, Iran

Received: ۲۸ Jun. ۲۰۲۰

Accepted: ۲۶ Jul. ۲۰۲۰

The study is to investigate the effects of cultural capital (and its three dimensions) on body management among female student teachers of Farhangian Campus in Hamedan. The theories of Bourdieu, Schilling, Martin and Gantz have been used. The method of this research was survey and the data collection tool was a questionnaire. The statistical population included all female student teachers of Farhangian campus in Hamedan. The sample size was determined based on Cochran's formula (۱۸۲ people). The sampling method was categories proportional to the volume. The data were described and analyzed using SPSS and AMOS statistical softwares.

The findings indicated that there was a significant and positive relationship between the three dimensions of cultural capital and body management. The results of structural equation modeling showed that the model is of a good fit and model fit indices have shown acceptable values. Also, the data collected from the study sample was of necessary compatibility with the conceptual model of the research. Therefore, the general conceptual model proposed in this study was approved.

KeyWords: Cultural Capital, Body Management, Female Students and Hamedan